

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره دوم-تابستان 1393-شماره پیاپی 24

بررسی اغراض بلاغی خبر و انشا در سبک تعلیمی ناصر خسرو

( با تکیه بر دیوان قصاید )

(ص 251-266)

مریم محمودی<sup>1</sup>

تاریخ دریافت مقاله: 1393/2/1

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

#### چکیده:

دیوان ناصر خسرو به عنوان یکی از آثار تعلیمی برجسته زبان فارسی در بردارنده مباحث مهم اخلاقی، اجتماعی، دینی و مذهبی است. در این اثر پیوند زبان و معنا به روشنی ظهور یافته است. اغراض بلاغی خبر و انشا به عنوان بخشی از سطوح سه گانه سبکی یعنی زبانی، اندیشگی و ادبی در این دیوان جلوه‌ای خاص دارد. ناصر خسرو از انواع جمله در زمینه القای اندیشه‌ها و مفاهیم مورد نظرش بگونه‌ای هوشمندانه بهره میگیرد. در شعر او رویکرد بلاغی و غیر ایجابی خبر و انشا قابل توجه است. خبر در شعر ناصر خسرو بیشتر از نوع طلبی و انکاری است. استفاده از تمثیل و شبه جمله‌های تحذیری موجب برجسته شدن نقش انگیزندگی این نوع جمله‌ها میشود. بکارگیری جمله‌های پرسشی با بسامد بالا در شعر او به فرآیند آموزش و تعلیم کمک کرده، تأثیر کلام را افزایش میدهد و در القای مفاهیم و موضوعات اخلاقی و اعتقادی مؤثر است. وجود جمله‌های امر و نهی از عوامل تقویت کارکرد انگیزشی شعر ناصر خسرو در سبک تعلیمی اوست. ندا نیز که در این دیوان، کاربردی فراوان دارد موجب جلب توجه مخاطب و انگیزش او میشود. بنابراین باید گفت علاوه بر امر و نهی که در متون تعلیمی و مخاطب محور کاربردی وسیع دارد سایر انواع انشا یعنی پرسش و ندا همچنین خبر در دیوان او کاربردی انگیزشی می‌یابد و شاعر را در تعالیم خاص خود یاری میدهد.

**کلمات کلیدی:** ناصر خسرو، دیوان، خبر، انشا، اقتضای حال، سبک تعلیمی.

---

<sup>1</sup> - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان. [M.mahmoodi@dehaghan.ir.ac](mailto:M.mahmoodi@dehaghan.ir.ac)

**مقدمه:**

ناصر خسرو شاعر و نویسنده بزرگ ادب فارسی است. او شعر را به عنوان وسیله‌ای برای بیان عقاید و افکار خویش بکار میبرد و در شعرش فکر و زندگی به هم گره میخورد.

او پس از کسایی از شاعرانی است که ادبیات تعلیمی را با موضوعات پند و اندرز و زهد رونق بخشید. این شاخه از ادبیات در قرن پنجم به دلیل شرایط خاص سیاسی و اجتماعی بیشتر متوجه شاعران قرار گرفته‌خصوصاً آنکه « حساسیت به امر تعلیم و پرورش اخلاقی با شدت گرفتن فعالیت‌های اسماعیلیه در قرن پنجم به اوج خود رسید. در مقابل روحیه نظامیگری حاکم بر عصر غزنویان و رواج عصبیت مذهبی و نفی دگراندیشان، اسماعیلیه عواملی می‌جستند که موجب تلطیف روح حاکمان جامعه از سوئی و عموم مردم از سوی دیگر شود » ( نظریه تعلیمی ناصر خسرو در مثنوی روشنایی نامه، مشرف، ص 66 ).

در تمامی آثار ناصر خسرو، زهد و وعظ و حکمت و تحقیق به چشم می‌آید. شعر او نمونه شعر متعهد و مسئول است. همین نگاه متعهدانه است که شعر او را سنگین میکند و باعث رسیدگی دلها میشود. اما از امتیاز او به عنوان اولین گوینده‌ای که شعر را در خدمت فکر اخلاقی قرار دارد نمی‌کاهد؛ شاعری که « با تبلیغات وسیع و نفوذ عمیق زبان خویش زمینه‌ساز پیدایش شعر زهد به صورتی گسترده در ادبیات فارسی شد و انگیزه‌ها و موجبات لازم را برای اندیشه فراگیر عرفانی در عهد خود و پس از خود در شعر پدید آورد و در واقع پیش‌کسوت تفکرات اندرزی برای شاعران پس از خود چون سنایی، مولانا، سعدی و دیگران شد » (سیمرغ در جستجوی قاف، محبتی، ص 303).

با آنکه نگاه ناصر خسرو به ادب و هنر متفاوت از بسیاری شاعران است اما خواسته یا ناخواسته با فنون شاعری و شگردهای خاص زبانی رو به رو شده و از آنها در جهت اهداف و مقاصد خود بهره برده است. او که خود به سخن و ارزش و اهمیت آن آگاه است با ترفندها و قاعده‌های سخنوری نیز آشناست و آنها را برای بیان اندیشه‌های خویش و پیام‌رسانی مطلوبتر و تأثیرگذاری بیشتر بکار میبرد؛ زیرا لحن تعلیمی و بار معنایی اشعار او گاه مانعی بزرگ برای جلب توجه مخاطب است. مخاطبان از اینکه هلاً مورد امر و نهی قرار گیرند نفرت دارند. پس او به ناچار از شیوه‌های بلاغی برای جلب توجه خواننده بهره میبرد. یکی از مباحث مهم در نقد شعر ناصر خسرو معانی ثانوی یا اغراض بلاغی جمله‌ها است که از مباحث دانش معانی است. این دانش از شاخه‌های بلاغت اسلامی است و شگردهای ادبی را در حوزه زبان بررسی و مطالعه میکند و ارتباط زیادی با دانش سبک‌شناسانه زبان شناختی دارد. در حقیقت آنچه در شعر ناصر خسرو اهمیت می‌یابد دقت او در کاربرد زبان است که شعرش را از شاعران دیگر متمایز میکند. کاربرد ویژه زبان، شگردهای کلامی و

عناصر زبانی در شعر او قابل تحلیل و بررسی است: آنجا که غلامحسین یوسفی درباره ناصر خسرو مینویسد: سخن مشهور بوفن که " سبک همان خداوند سبک است یعنی عین نفس آدمی است " در مورد شعر ناصر خسرو مصداق دارد ( چشمه روشن، یوسفی: ص 77 )، از سبک‌شناسی فرد سخن میگوید.

این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤالهاست: با توجه به سبک تعلیمی ناصر خسرو کدام یک از انواع جمله در شعر او متناسب با این زمینه و موضوع بکار رفته است؟ آیا در پند و اندرز بیشتر به صورت مستقیم و از امر و نهی استفاده میکنند؟ نقش معنایی جمله‌های خبری و انشایی در بیان تعلیمات خاص او چگونه است؟

## 2-1- جمله در شعر ناصر خسرو:

### 2-1-2- خبر

کلام در علم معانی به خبر و انشا تقسیم میشود. جمله خبری، جمله‌ای است که قابل صدق و کذب است و بوسیله آن خبری از فرستنده به گیرنده منتقل میشود که به آن « فایده خبر » گفته‌اند. اما جمله خبری گاهی برای اغراض و اهداف دیگری جز انتقال خبر بکار میرود. « به سخنی دیگر ما جمله خبری را که ابزاری زبانی است از زبان وام میگیریم تا آن را در قلمرو ادب بکار ببریم. سرشت هنری این گونه از جمله‌های خبری نیز در آن است که ما از آنها در کاربرد دیگری جدا از کاربردشان در زبان بهره جسته‌ایم و بدین شیوه آنها را برکشیده‌ایم و تا قلمرو ادب فرا برده‌ایم » ( معانی، کزازی: ص 50 ). این معنای ثانوی را « فایده خبر » مینامند.

روح تعلیمی حاکم بر دیوان ناصر خسرو وجود جمله‌های امر و نهی را ایجاب میکند، اما در بررسی شعر او بیش از امر و نهی و حتی پرسش وجود جمله‌های خبری چشمگیر است. اغلب این جمله‌ها در معنای ثانوی خود بکار رفته و کارکرد تعلیمی آنها برجسته است. این اغراض بلاغی در دیوان ناصر خسرو با توجه به جنبه تعلیمی آن عبارت است از:

#### - توبیخ و ملامت:

مؤذن چو خواندت زی مسجد	تو اوفتاده ژاژ همی خایی
ور شاه خواندت به سوی گلشن	ره را به چشم و روی بپیمایی
	( دیوان، ناصر خسرو: ص 7 )

#### - هشدار:

زندان تو آمد پسرا این تن و زندان	زیبا نشود گرچه پوشیش به دیا
	( همان: 4 )

## - تشویق کردن و امید دادن:

جانت به سخن پاک شود زآنکه خردمند از راه سخن بر شود از چاه به جوزا  
(همان: 5)

بر اساس نظریه ارتباطی یاکوبسن، فرستنده، گیرنده، کد، زمینه، پیام و تماس شش عنصر برقراری یک ارتباط موفق است. هر یک از این عناصر کارکردی جداگانه دارد. کارکرد فرستنده عاطفی، کارکرد گیرنده کوششی، کارکرد کد فرازبانی، کارکرد زمینه ارجاعی و کارکرد پیام ادبی و بالاخره کارکرد تماس کلامی است. در ادبیات تعلیمی بیشتر کارکرد گیرنده ظاهر میشود (ساختار و تأویل متن، احمدی: ص 66) پیامها در این متون بگونه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم به گیرنده مرتبط میشود، بنابراین در شعر ناصرخسرو حتی در جمله‌های خبری کارکرد انگیزشی پیام بر سایر کارکردها برتری دارد.

خبر در شعر ناصرخسرو بیشتر از نوع خبر ادبی است. هر چند غنای معنایی شعر او و مفاهیم فلسفی، اخلاقی و عقلی سرشار آن موجب کم رنگ شدن تصاویر شعری او شده است «اما اگر دیوان او را گذشته از اندیشه‌ها و تفکرات و تداعیهای منطقی و شور و عاطفه خاصی که دارد مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که در شعر او عنصر خیال در بلندترین نقطه در اوج قرار دارد اما از آنجا که در شعر او تفکر و عاطفه نیز در کنار خیال همواره در حرکت است مجال خودنمایی به صورت خیال نمیرسد و شاید راز این نهان ماندن صور خیال در شعر او طرز استفاده وی از عنصر خیال باشد که بیش و کم با طرز سود جستن دیگران متفاوت است...» (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص 550). تشبیه و استعاره مهمترین ابزاری است که او بکار میگیرد تا کلامش را از یکنواختی جمله‌های خبری غیر ادبی رها کند. این زبان تصویری اغراق آمیز و اعجاب برانگیز هم هست.

فضای تعلیمی حاکم بر دیوان ناصرخسرو وجود انواع جمله خبری از نوع ابتدایی و طلبی و انکاری را توجیه می‌نماید، اما به نظر میرسد او مایل است بیشتر از جمله‌های خبری طلبی و انکاری استفاده کند. زیرا از موضع یک مبلغ دینی بیشتر در خطاب با کسانی سخن میگوید که نسبت به سخن او در شک و گمان و یا در انکارند. جمله‌هایی از قبیل:

دل به یقین ای پسر خزینۀ دین است چشم تو چون روزن است و گوش چو پرهون  
(دیوان، ناصر خسرو: ص ۹)

دیوی است جهان صعب و فریبنده مر او را هشیار و خردمند نجسته است همانا  
(همان: ۵)

خبر ابتدایی بیشتر همراه امر و نهی و در توجیه آنها استفاده شده است تا شک و تردید مخاطب را برطرف کند:

بر خلق جهان فضل به دین جوی ازیراک دین است سر سروری و اصل معالی  
(همان: ۴۳)

گاهی نیز برای اقناع مخاطب از چندین جمله خبری استفاده میشود.

با هرکس منشین و مبر از همگان نیز بر راه خرد رو نه مگس باش نه عنقا  
چون یار موافق نبود تنها بهتر تنها به صد بار چو با نادان همتا  
خورشید که تنهاست از آن نیست بر او ننگ بهتر ز ثریاست که هفت است ثریا  
(همان: ۴)

او در استفاده از جمله‌های خبر ابتدایی نیز جانب احتیاط را فرو نمیگذارد و در جواب سؤالات مقدر و یا چون و چرا مخاطب باز هم از جمله‌های خبری ابتدایی بهره میگیرد:

جانن به سخن پاک شود زآنکه خردمند از راه سخن بر شود از چاه به جوزا  
(همان: ۵)

بهره‌گیری از تمثیل در جمله‌های خبری به ویژه خبر ابتدایی موجب برجسته شدن نقش انگیزندگی آنها میشود:

از خر به دین شده است جدا مردم شین را سه نقطه کرد جدا از سین  
سرخ است قند چون رخپین لیکن شیرینیش جدا کند از رخپین  
(همان: ۸۸)

همراهی ندا و شبه جمله‌های تحذیری نیز در جلب توجه مخاطب به معنا و مفهوم تعلیمی جمله که اغلب ترغیب و اغرا و یا ترهیب و تحذیر است مؤثر می‌باشد:

آبی است جهان تیره و بس ژرف و بدو در زنهار که تیره نکنی جان مصفا  
(همان: ۵)

ای شده غره به جهان زینهار کایمن بنشینی از این بد نشان  
(همان: ۱۴)

## 3- انشا:

در علم معانی انشا بیانی است که قابل صدق و کذب نباشد و بیانگر احساسات و عواطف درونی است. انشاء بر دو قسم است:

- 1- انشاء طلبی که شامل امر، نهی، استفهام، ندا و تمنی است.
  - 2- انشاء غیر طلبی که شامل تعجب، مدح، ذم، قسم، ترجی، دعا و صیغه عقود میشود و در علم معانی چندان قابل اعتنا نیست. در ادامه انواع انشا طلبی در دیوان ناصر خسرو بررسی میشود.
- 1-2-2- پرسش:

سخنور پرسش یا استفهام را به طلب جواب و یا کسب خبر مطرح میکند و برخی آن را به تصویری و تصدیقی تقسیم کرده‌اند. (ر. ک. هنجار گفتار، تقوی: ص 100؛ آیین بلاغت، امین شیرازی، ج 2: ص 75) اما گاهی گوینده سؤالی را طرح میکند ولی قصد او طلب جواب و کسب خبر نیست بلکه هدف اصلی او انتقال احساس یا بیان عقاید خود به مخاطب است. این نوع پرسش از اقسام انشای طلبی است که آن را پرسش بلاغی یا هنری یا ادبی یا استفهام مجازی یا استفهام تولیدی یا استفهام در معنای ثانویه نامیده‌اند (ر. ک. معانی و بیان، همایی: ص 205؛ معانی، کزازی: ص 206؛ معانی، شمیسا: ص 120؛ معانی، رنجبر: ص 38).

در دیوان ناصر خسرو آنچه به وضوح دیده میشود رویکرد بلاغی و غیر ایجابی پرسش است. پرسش در شعر او از نظر اهداف و اغراض و کیفیت بکارگیری آن متنوع است. این امر به فرآیند آموزش و تعلیم کمک میکند و از آنجا که حضور مخاطب احساس میشود تأثیر کلام نیز افزایش می‌یابد. از مجموع 278 قصیده دیوان ناصر خسرو 76 قصیده با پرسش آغاز میشود که نشانگر اهمیت این نوع جمله‌ها در این دیوان است. جمله‌های پرسشی توجه خواننده را به اهمیت موضوع جلب میکند و او را به تعمق و تأمل وا میدارد.

ادوات پرسش در کلام ناصر خسرو عبارت است از: چرا، چه گویی، چه، کجا، چون، تا کی، از چه، از که، که، کو، چند، به چه، چگونه، تا چند و... در بین این ادوات به ترتیب چون، چه و چرا بیشترین بسامد را دارد. این الفاظ بیشتر برای توبیخ و ملامت و تنبیه و تذکر بکار می‌رود. البته گاهی نیز پرسش بدون ادوات آمده است:

این بند نبینی که خداوند نهاده است      بر ما که نبندیش مگر خاطر بینا ؟  
(دیوان، ناصر خسرو: ص 4)

با در نظر گرفتن جنبه تعلیمی شعر ناصر خسرو اغراض بلاغی پرسش در سخن او به شرح زیر است:  
- امر به طریق مستقیم:

چون نشکنی و پست نپیرایی؟  
از معصیت چرا که نپالایی  
(همان: 6)

پشت پیش این و آن پس چون همی چون نون کنی؟  
زهر قاتل را چرا با دل همی معجون کنی؟  
(همان: 24)

کوت خجسته علم کاویان؟  
پیشرو لشکر مازندران  
کوست؟ نه بهرام نه نوشیروان  
(همان: 14)

بدخواه تو مال است تو چون فتنه اوپی؟  
(همان: 42)

جز عذر درخت کین که برکنند؟  
(همان: 24)

گهی خدای پرست و گهی گنهکاریم؟  
خدای ما را گر نه حی و مختاریم؟  
به فعل خویش گرفتار و ما گرفتاریم؟  
کلنگ نیست گرفتار و ما گرفتاریم؟  
(همان: 71)

جز رنجگی چه دید هگرز از زکام کام؟  
(همان: 57)

ناخن ز دست حرص به خرسندی  
جان را به آتش خرد و طاعت

- **توبیخ و ملامت:**

گر نخواهی ای پسر تا خویشتن مجنون کنی  
دلت خانه آرزو گشتست و زهرست آرزو

- **عبرت:**

کوت فریدون و کجا کیقباد؟  
سام نریمان کو و رستم کجاست؟  
بابک ساسان کو و کو اردشیر

- **نهی:**

بدخواه تو مال است که مالیده اوپی

- **تشویق:**

بزدای به عذر زنگ کینه

- **هشدار:**

خرد ز بهر چه دادندمان که ما به خرد  
« مکن بدی تو و نیکی کن » چرا فرمود  
چرا که گرگ ستمکاره نیست سوی خدا  
چرا به بانگ و خروش و فغان بی معنی

- **نفی:**

جز رنجگی هگرز چه بینی تو از خسیس؟

پرسشهای فلسفی نیز در دیوان ناصر خسرو کاربرد فراوان دارد زیرا « یکی از اندیشه‌های اعتقادی اسماعیلیه چگونگی نگرش آنان به موضوع توحید و ذات و صفات خداوند است. موضوعی که میان ادیان توحیدی و فرق مختلف اسلام همواره مایه بحث و جدل بوده است. شیوه بلاغی شاعر در بسیاری از اشعار وی با طرح پرسش در اینباره همراه است » ( شیوه‌های بلاغی در شعر ناصر خسرو، آقاحسینی: ص 12 ).

در بیت‌های زیر به برخی از صفات خود از طریق پرسشهای فلسفی اشاره شده است:

چه گویی بود مستعان مستعان گر      نبودی چنین مستعین مستعان را؟  
( همان: 10 )

ور همچو ما خدای نه جسم است و نه گران      پس همچو ما چرا که سمیع است و هم بصیر؟  
ور چون تو جسم نیست چه باید همیشه تخت؟      معنی تخت و عرش یکی باشد و سریر  
( همان: 104 )

## 2-2-2- ساختار پرسش در دیوان ناصر خسرو:

در دیوان ناصر خسرو پرسش به شیوه‌های متنوعی بکار میرود. گاهی پرسش پس از جمله خبری می‌آید:

به چرا فتنه شدن کار ستور است تو را      این همه مهر بر این جای چرا چون و چراست؟  
( همان: 20 )

گاه نیز پرسش قبل از جمله خبری مطرح میشود:

زیر گردنده فلک چون طلبی خیره بقا؟      که به نزد حکما گشتن از آیات فناست  
( همان )

ساختار اخیر در جلب توجه مخاطب و تأکید بر خبر مؤثر واقع میشود و بطور کلی جمله خبری در دستیابی مخاطب به معنای ثانوی پرسش کمک میکند. همچنین مخاطب قبل از آنکه توبیخ یا ملامت شود و یا بعد از آن، بلافاصله بوسیله جمله خبری توجیه میشود و به هر حال پرسش در موارد زیادی مکمل مفهوم خبر تلقی میشود. در مواردی نیز جمله خبری و پرسشی در شکل شرط و جواب شرط بکار میرود که گاهی شرط قبل از پرسش و گاه بعد از آن قرار میگیرد.

گر زهد همی جوئی چندین به در میر      چون میدوی ای بیهده چون اسب دوالی؟  
( همان: 42 )

چون همیشه چون زنان در زینت دنیا چخی      گرت چون مردان همی در کار دین باید چخید؟  
( همان: 52 )



گاه پرسش و امر در کنار هم قرار میگیرد:

بزدای به عذر رنگ کینه      جز عذر درخت کین که بر کند؟  
(همان: 24)

استفاده از دو جمله انشایی در کنار یکدیگر به تقویت جنبه تعلیمی پرسش کمک میکند و باعث انگیزش بیشتر میشود. گاهی شاعر با استفاده از نظاهراً مخاطب خاصی را مورد سؤال قرار میدهد. این مخاطب طیف وسیعی از منکران و ناآگاهان را در بر میگیرد.

ای خوانده کتاب زند و پازند      زین خواندن زند تا کی و چند؟  
(همان: 23)

کلمه‌هایی که بصورت منادا بکار میرود در تعیین و تبیین معنای ثانوی پرسش که اغلب توبیخ و ملامت است مؤثر می‌باشد. از جمله این مناداها میتوان به این موارد اشاره کرد:

ای سفله، ای خام، ای نادان، ای خر، ای خر بدبخت، ای بیخرد، ای فضولی و... بطور کلی جمله‌های قبل و بعد از پرسش نقش مهمی در تأویل پرسش و دریافت غرض ثانوی آن دارد. اهمیت پرسش در متون عرفانی، (اهمیت پرسش در متون عرفانی، آقاحسینی، براتی: ص 151) از نکات مهم و پر بسامد در دیوان ناصر خسرو پرسشهای پی در پی و مکرر است:

چون سوی علم و طاعت نشتابی؟      ای رفتنی شد، چه همی پایی؟  
بی‌علم دین همی چه طمع داری؟      در هاون آب خیره چرا سایی؟

عاصی سزای رحمت کی باشد؟      خورشید را همی به گل اندایی!  
(دیوان، ناصر خسرو: ص 7)

کاربرد پرسشهای متعدد در جلب توجه مخاطب به موضوع بسیار مؤثر است و این نکته وقتی برجسته‌تر میشود و بر جنبه تأکیدی کلام می‌افزاید که جمله‌های پرسشی متوالی و پشت سر هم از نظر معنایی نیز مترادف باشند:

ز جهل خویش چون عارت نیاید؟      چرا داری همی ز آموختن عار؟  
(همان: 18)

چند چپ و راست بتابی همی؟      چون نیروی راست در این کاروان؟  
(همان: 14)

جمله‌های پرسشی انکاری بسامد بالایی در شعر ناصر خسرو دارد. این جمله‌ها لحنی توبیخ آمیز در خود نهفته دارند و علاوه بر آنکه موجب تذکر و بیدرایی مخاطب می‌شوند در برابر مخاطب ناآگاه

و ناآشنا نیز عامل اقناع و انگیزش هستند. این پرسش‌ها با « با فعلی از مصدر دیدن یا شنیدن همراه است:

خلق را چرخ فرو بیخت نمی بینی      خس مانده است همه بر سر پرویزن؟  
(همان: 36)

زرق آن زن را با بیژن نشنودی      که چه آورد به آخر به سر بیژن؟  
(همان: 35)

« این شیوه در زنده کردن متن و ایجاد ارتباط با هر خواننده‌ای مؤثر است. زیرا در جمله‌هایی که مایه توبیخ، امر و تنبیه دارا، موضوع برتر گوینده از آن جهت که مطلب را میداند در متن پر رنگ میشود ثنیا مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار میدهد و در نتیجه به القای مفاهیم و مطالب آموزشی کمک میکند » ( بررسی و تحلیل نقش پرسش در آثار عین‌القضات همدانی، میرباقری فرد، محمدی: ص 156 ).

بنابر آنچه گفته شد پرسش یکی از مهمترین انواع جمله در اقناع و انگیزش مخاطب و دستیابی به تأیید ذهنی او در القای مفاهیم و موضوعات اخلاقی و اعتقادی در کلام ناصر خسرو به شمار می‌آید.

### 3-2- امر و نهی:

امر و نهی از اقسام دیگر انشای طلبی است. گوینده از کاربرد این جمله‌ها هدف دیگری را جز بازداشتن شنونده از کاری یا واداشتن او بکاری دنبال میکند. در شعر ناصر خسرو در موارد معدودی امر و نهی در معنای دعا بکار رفته است:

گر جز رضای توست غرض مر مرا ز عمر      بر چیزها مده به دو عالم ظفر مرا  
(دیوان، ناصر خسرو: ص 13)

اما در بیشتر موارد هدف اصلی از کاربرد این جمله‌ها پند و اندرز و موعظه است. وجود جمله‌های امر و نهی از عوامل تقویت کارکرد انگیزشی شعر ناصر خسرو است که موجب تقویت زمینه تعلیمی شعر او میشود. اغراض بلاغی امر و نهی با رویکرد تعلیمی در شعر ناصر خسرو عبارتست از:

### ارشاد و ترغیب و تشویق:

دیبای سخن پوش به جان بر که تو را جان      هرگز نشود ای پسر از دیبا زیبا  
(همان: 4)

به چپ و راست مدو راست برو بر ره دین      ره دین راست‌تر است ای پسر از تار طراز  
(همان: 113)

- **عبرت:**

بنگر نیکوتر از پی سخن ادیس      چون به مکان العلی رسید ز هامون  
(همان: 9)

- **پند و اندرز:**

به چشم نهان بین نهان جهان را      که چشم عیان بین نبیند نهان را  
(همان: 10)

- **هشدار:**

نهنگی بد خوی است این زو حذر کن      که بس پر خشم و بی‌رحم است و ناهار  
(همان: 19)

- **تهدید و تحذیر:**

زین بد کنش حذر کن وزین پس دروغ او      منیوش اگر بهوش و بصیری و تیزویر  
(همان: 103)

توجه به روشنگری و ایضاح در شعر ناصر خسرو گاهی باعث اطناب و تطویل کلام میشود. در نمونه زیر نهی مخاطب از شنیدن سخن ناخوش و ناپاک با یک جمله خبری و یک خبر تمثیلی همراه شده است:

طعام جان سخن باشد سخن جز پاک و خوش      ازیرا چون نباشد خوش طعام پاک بگزاید  
مشنو  
(همان: 39)

هر چند برخی معتقدند ناصر خسرو « در سخن به سبب اجتنابی که از لغو و بیهوده‌گویی دارد به شیوه ایجاز می‌گراید و اعجاز کلام را در واقع ایجاز لفظ میداند سخن را کوتاه و پر مغز می‌پسندد » ( با کاروان حله، زرین کوب: ص 100 )، اما موارد اطناب در شعر او کم نیست. روشن است که هدف او اقناع مخاطب و در نتیجه تأثیرپذیری بیشتر اوست. این اطناب را میتوان در مواردی که برای موکد کردن کلام دو یا چند جمله امری متفاوت با معنای مفهوم یکسان در کنار هم می‌آید به وضوح مشاهده کرد:

چشم دل را باز کن بنگر نکو      زآنکه نفتاد آنکه زیبا بنگر است  
(دیوان، ناصر خسرو: ص 33)

زاد بر گیر و سبک باش و مکن جای قرار      خانه‌ای را که مقیمانش همه بر سفرند  
(همان: 65)

در شعر ناصر خسرو مخاطب متحیر و سر در گم رها نمیشود. نهی در کنار امر قرار میگیرد. به عبارتی اگر مخاطب از چیزی نهی میشود به آنچه خیر و صلاح در آن است نیز توصیه میشود:  
 بر راه حقیقت رو و منگر به چپ و راست      با باد مچم زین سو و ز آن سو که ز نالی  
 (همان: 44)

کاربرد امر و نهی از یک ریشه فعلی در کنار هم موجب توجه مخاطب و تأثیرگذاری بیشتر کلام میشود:

بنگر که کجا میروی و بیهده منگر      سوی خدم و بنده و آزاد و معالی  
 (همان: 43)

شهوت فرو نشان و به کنجی فرو نشین      منشین بر اسب غدر و طمع را مده لگام  
 (همان: 57)

شعر ناصر خسرو طیف وسیعی از مخاطبان را در میگیرد اما گاهی او از مخاطب خود با عناوینی چون؛ ای پسر، پورا، ای برادر و... یاد میکند و چونان پدری مشفق او را پند میدهد. روشن است که این نوع خطاب از خشونت کلام امری میکاهد:

شرف در علم و فضل است ای پسر عالم شو و فاضل      تو علم آور نسب ملور چو بی علمان سوی بلعم  
 (همان: 81)

این جهان خواب است خواب ای پورباب      شاد چون باشی بدین آشفته خواب  
 (همان: 409)

البته گاهی نیز او مخاطبش را با لحنی تحکم‌آمیز مورد خطاب قرار میدهد که در این مورد متانت و سنگینی کلامش بیشتر جلوه‌گر میشود:

ای گشته جهان و خواننده دفتر      بندیش ز کار خویش بهتر  
 (همان: 92)

ای کهن گشته تن و دیده بسی نعمت و ناز      روز ناز تو گذشته است بدو نیز نناز  
 (همان: 111)

اما لحن استوار و قاطع او در امر و نهی گاهی با استفاده از تمثیل تا حدی نرم و متعادل میشود:  
 با عقل مکن یار طمع را      شاید که نخواهی ز مار یاری  
 (همان: 31)

استفاده از تشبیه و استعاره نیز موجب لطافت کلام میشود که در نتیجه آن لحن آمرانه و کوبنده ناصر خسرو به نرمی میگراید:

در حرب این زمانه دیوانه      از صبر ساز تیغ و ز دین مغفر  
وز شاخ دین شکوفه دانش من      وز دشت علم سنبل طاعت چر  
کاین نیست مستقر خردمندان      بلک این گذرگهی است برو بگذر  
(همان: 46)

تسلط شاعر بر زبان و شناخت ظرفیتها و استعدادهای گوناگون آن او را در هماهنگ‌سازی زبان با حال و مقام مخاطب یاری میدهد. « هماهنگی و تلائمی که خواننده میان زبان و مایه و مضمون عاطفی شعر چه آگاهانه و چه نا آگاهانه احساس میکند سبب احساس زیبایی در خواننده و تشدید تأثیرپذیری وی می‌گردد » (سفر در مه، پونامداریان: ص 353).

#### 4-2- ندا

در دیوان ناصر خسرو ندا به فراوانی در هر سه نوع جمله خبری، امری و پرسشی بکار رفته است:

**خبر:**

گیتی‌سرای رهگذران است ای پسر      زین بهترست نیز یکی مستقر مرا  
(همان: 12)

**امر:**

مرد واری پسر از عامه به یک سو شو      چه بری روز به خواب و خور خرواری  
(همان: 75)

**پرسش:**

ای گشته دل تو سیه از گرد جهالت      با این دل چون قار تو را جای وقارست  
(همان: 87)

ندا موجب جلب توجه مخاطب میشود غالباً با هر جمله‌ای همراه شود معنای بلاغی آن را می‌یابد. الفاظ ندا در شعر ناصر خسرو به ترتیب بالاترین بسامد کاربرد عبارت است از ای، الف آخر منادا، ایا، منادا یا جاندار است یا بی‌جان. برخی از مناداهای بیجان مانند: ای قبه بی‌روزن خضرا (ص 4)، ای بیوفا زمانه (ص 79) ای تن تیره (ص 89) ای جسد (ص 12) ای ستمگر فلک ای خواهر آهرمن (ص 35) ای خوب نهال (ص 43) ای بیوفا زمانه (ص 57) ای روزگار (ص 57) ای فلک زود گرد (ص 78).

مناداهای جاندار گاهی اسم است. پر کاربردترین این مناداها به ترتیب عبارتست از: ای پسر، ای برادر، ای پور، پورا، ای خواجه، ای رفیق. این نوع منادا به ایجاد فضای صمیمانه‌تر کمک کرده و رابطه متکلم و مخاطب را محکمتر مینماید. اما ناصر خسرو بیشتر صفات و وجه

وصفی را به عنوان منادا قرار می‌دهد. به نظر میرسد که او قصد دارد هر کس که در هر زمان و در هر مکان صفات را داراست منادای او قرار گیرد. گاهی صفات مثبت است. بر شمردن این صفات به قصد توصیف و تعظیم منادا نیز هست:

ای به ترکیب شریف تو شده حاصل غرض ایزدی از عالم جسمانی  
(همان: 437)

ای خیل ادب صف زده اندر خطب تو ای علم زده بر در فضل تو معسکر  
(همان: 514)

برخی دیگر از این صفات مثبت که در نقش منادا بکار رفته مانند: خردمند، عاقل، دانا، بخرد، هوشیار و دانا. جایگاه خاص عقل و خرد در اندیشه ناصرخسرو در گزینش این صفات به خوبی مشهود است. البته گاهی بر شمردن صفت مثبت به منظور استهزا و ریشخند است:

از بهر چه ای پیر هشیوار هنر بین بر اسب هوا کرد دلت بار دگر زین  
(همان: 517)

در اغلب موارد صفات منفی منادا واقع شده که تحقیر دارنده این صفات مورد نظر بوده است:

ای آنکه همه زرقی در فعل چو روباه تا کی روی آخر ز پی حج به زیارت  
وی آنکه همه رنگی در وصف چو کاووس از طوس سوی مکه و ز مکه سوی طوس  
(همان: 525)

و برخی دیگر از این نوع منادا:

ای متغافل بکار خویش (ص 341) ای داده دل و هوش بدین جای سپنجی (ص 338) ای داده دل به دنیا (ص 330) ای دهان باز نهاده به جفای من (ص 326) ای به نوروز شده همچو خران فتنه (ص 335) ای به خور مشغول دایم چون نبات (ص 324) ای جاهل مفلس (ص 320) ای سپرده دل به دنیا (ص 182) ای غره شده به پادشاهی (ص 260).

فضای تعلیمی حاکم بر دیوان ناصرخسرو و مخاطب محور بودن شعر او سبب میشود که ندا کاربرد بسیاری در این دیوان داشته باشد. ندا توجه مخاطب را جلب می‌کند و سبب انگیزش او میشود. هر چند در این دیوان ندا بیشتر جنبه تذکر و تنبیه و هشدار دارد ایقیناً کارکرد اصلی آن حفظ ارتباط با مخاطب است. این امر موجب میشود گوینده به آسانی تعلیم و مفاهیم مورد نظر خود را به مخاطب القا نماید.

با توجه به آنچه گذشت می‌توان به این مهم دست یافت که انشاء به هر شکل و نوعی که باشد نقش مؤثری در تحکیم ارتباط و انتقال مؤثر پیام دارد. «در ادبیات تعلیمی کارکرد انگیزشی و

ترغیبی پیام بر کارکردهای دیگر غالب است. همچنین در پیامهایی که زمینه آنها تعلیمی است مخاطب اهمیت پیدا می‌کند. به عبارتی دیگر با در نظر گرفتن زمینه پیام (تعلیم) مقتضای حال مخاطب اهمیت می‌یابد « (نقش انشا در زبان عرفانی، میرباقری فرد، محمدی: ص ۱۹۳).

#### نتیجه‌گیری:

تحلیل انواع جمله از دیدگاه علم معانی در دیوان ناصر خسرو نشان می‌دهد که اغراض بلاغی خبر و انشا مجالی وسیع برای شاعر فراهم آورده تا تعلیمات خاص خود را به مخاطب القا کند. سبک تعلیمی ناصر خسرو ایجاب می‌کند که برای رعایت اقتضای حال مخاطب و برقراری رابطه مؤثر با او به گونه‌ای سخن گفته شود که یکنواختی آن ملال‌انگیز نباشد.

در متون تعلیمی امر و نهی متوالی باعث رمیدگی مخاطب می‌شود. به همین دلیل در شعر ناصر خسرو جمله‌های خبری بیشتر مخاطب محور بوده و کارکرد تعلیمی یافته است. این کارکردها معانی چون توبیخ و ملامت، هشدار، تشویق کردن و امید دادن را شامل می‌شود.

او با بکارگیری جمله‌های انشایی در عین حال که به القای تعالیم خاص خود می‌پردازد فاصله ذهنی میان خود و مخاطب را کم می‌کند. در پرسش، امر، نهی و ندا حضور مخاطب احساس می‌شود. تحکیم ارتباط گوینده و مخاطب بر انتقال پیام مؤثر است. مهمترین کارکرد تعلیمی این جمله‌ها در شع ناصر خسرو عبارتست از: امر به طریق مستقیم، توبیخ و ملامت، عبرت، نهی، ارشاد و ترغیب و تشویق، هشدار، نفی، پند و اندرز و تهدید و تحذیر.

ناصر خسرو علاوه بر بکارگیری جمله‌ها با اغراض بلاغی خاص و متناسب با سبک تعلیمی خود، از سایر عناصر هنری و شگردهای بلاغی در جهت تأثیرگذاری بیشتر و القای مفاهیم و عقاید و اعتقاد دانش بهره می‌گیرد بطوری که میتوان گفت اغراض بلاغی خبر و انشا همچون سایر امکانات زبانی و ادبی و بلاغی در شعر ناصر خسرو در خدمت تبیین اندیشه‌ها و تعالیم او قرار گرفته است. بدیهی است بکارگیری این بخش از علم معانی (اغراض بلاغی) نقش مؤثری در تعدیل زبان خشن، جدی و کوبنده ناصر خسرو داشته است.

#### منابع و مأخذ:

- 1- \_\_\_\_\_ ، سیروس شمیسا، تهران: میترا، ۱۳۷۷.
- 2- \_\_\_\_\_ ، میرجلال‌الدین کزازی تهران: کتاب ماد، ۱۳۸۵.
- 3- **اهمیت پرسش در متون عرفانی**، حسین آقا حسینی، محمود براتی، مجله علمی - پژوهشی کاوش‌نامه، سال ۱۲، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص: ۱۶۰ - ۱۳۱.
- 4- **آیین بلاغت**، احمد امین شیرازی، قم: مولف، ۱۳۷۱.

- 5- با کاروان حله، عبدالحسین زرین‌کوب، تهران: علمی، 1378.
- 6- بررسی و تحلیل نقش پرسش در آثار عین‌القضات همدانی، علی‌اصغر میرباقری‌فرد، معصومه محمدی، مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی، سال 7، شماره 29 و 30، زمستان 1389، صص: 166-149.
- 7- دیوان، ابومعین ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی، مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران، 1365.
- 8- ساختار و تأویل متن، بابک احمدی، تهران: نشر مرکز، 1380.
- 9- سبک‌شناسی در ادبیات، محمود عبادیان، تهران: آوای نور، 1372.
- 10- سبک‌شناسی ساختاری، محمدتقی غیائی، تهران: شعله اندیشه، 1368.
- 11- سفر در مه، تقی پور نامداریان، تهران، زمستان 1374.
- 12- سیمرغ در جستجوی قاف، مهدی محبتی، تهران: سخن، 1379.
- 13- شیوه‌های بلاغی در شعر ناصر خسرو، حسین آقاسینی، نامه پارسی، سال 8، شماره 2، تابستان 1382، صص: 26 - 7.
- 14- صور خیال در شعر فارسی، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگاه، 1372.
- 15- معانی و بیان، جلال‌الدین همایی، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما، 1373.
- 16- معانی، احمد رنجبر، تهران: اساطیر، 1385.
- 17- نظریه تعلیمی ناصر خسرو در مثنوی روشنائی‌نامه، مریم مشرف، مجله علمی - پژوهشی گوهر گويا، سال 2، شماره اول، بهار 1387، صص: 84 - 61.
- 18- نقش انشا در زبان عرفانی، علی‌اصغر میرباقری‌فرد، معصومه محمدی، مجله علمی - پژوهشی بوستان ادب، دوره 2، سال 2، تابستان 1389، صص: 208 - 185.
- 19- هنجار گفتار، نصرالله تقوی، اصفهان: فرهنگسرای اصفهان، 1363.